

شناخت نهایشنامه

۱۴۰۷ سپتامبر ۱۳۹۶

خود در شنایق چلخ‌خوش شاهجه دا
خند و زم آور و
در در امهاي گلبهاني لير شهابين و
اجه و پايدا گاران و اسراز ساده لوح
نمایشي را که بر اين اشك رفته و ممتاز
شدن به گلبه آفاده باز هر کات بعثت و
مریب و آنها و عاشقانه بعثت
آن قطعات شمه آور افاس نامیدند
و آخون شنایق از شاهنشاهي گفت شهود را که
در آن خطاين همانهاي همفت و مفتر برگ
و شلشل اهدازاري و سهيل ايجاد اين خند
او گمدي از پر همان داچ اهداي
پرهاي رفته و زر یوبانه عدهي هاچشانه
منظوي آن خطاين سمع و خند بود پيشت
هذا مصالات گمدي است اند اندرا (اجتماعات
پيشري منظوري نظر شاهنامه توپس) در
کهنه خند را باهلي است که بر جرج هاي
آن خپل همچنان تقاد حمل ميشتو در حمورات
پيشري تابه ميگردد همانطور که از ارش
يک همباره مواد منصره آن است اور از
يک گمدي بيز پر همچوپانه بروان آن است
که آنرا در فرع داشتند همچوپان
از ربع داشتند و ربيک گمدي خالي با نهاد
محضن طوه ميشه کاهي اين عرض چين
يک گرد و غواصين اجتمع است اين گرد
که برخلاف فوان اندی اجتماع شري
هميل همكده و به محدود احلاق و دستورات
اصلي ميشه مسورد اتفاق شاهنگه
فرار گردد و از همچنان درون و پايدا یوناي
روح او يكی بيس الاديگري از زرده بيرون
ميرزا زاده از راگهه از اين دسته هستند
دو پلوبونها از اين دسته هستند اين افراد
را اگر ترک خواهند گردند و اين نوع گندم را

آمدهاند شده اي مکان و قبور زمان را
شگفتاند و تلاذگي و مزء خود را همته
حظ كرواند و اين شاهکارهای همچنان باشند
که بات هستند شاههم اهل و قبور همچنان
رس. شاهان بودند و بيازيرت همچنان آزادان
از قبور زمان و مکان و اين از اكتافانه
اور چونهای ساخته اند و تین همچنان
هر چه که اين آزادان اگر بات شهوده اند
از زير گشتن است. اگر اين چهاران
از از زير داده شونه بروز تقويم را در چهار
منافقان به برگاهه مطهوره اند مسلطه
گشته خطرت به زر و داوس سر نگون
مشتود.

ش شاهجه (آمده) ملود زام ۳ فارس
ابواع آنارزه اماشته شده بجز از مکانه
مر پي غر از زر داده که در آن دو نوع اول
وزر اين از زير تقويم طراز از از زير
و زير گشتن از زير تقويم طراز از از زير
و زير گشتن از زير تقويم طراز از از زير
و زير گشتن از زير تقويم طراز از از زير
و زير گشتن از زير تقويم طراز از از زير
است. شهود را فراموشها و دله که
غريگي را در تومات فارس ميگاهند
در اسطلاح نادر فارس هماشان اصلان
مشتده که فقط سر اي شده و صخره در
نمایشات منتهي و کاهكارها بر مکانه
گرده، مثل آنده ترى داده در خر
د توغلان مسلم همچنان اين دو کوون
سکانه هم از اينکه دستان خود را جون
اين معمومين آفته است و دن شنگان
را بزرگ در آزاد مسولا از زن خواره
و اين اندان خندانه شاهکارهای چهاران
و همه آنهاش بيز خل و غسل بروان

از رک از دوزه ماند که به رو نمود
میوان سمع بر گفت. مطالعه آن در يك
صدانی است و دو گاه آنچه خواره اند
و مشاهده آن از همچنانه بازگشته همچنان
آنچه و بورصه ساخته های فراوانی
در همه مشهد که بربت پيشش کنده اند و
شانه اند گاهه و پيششها است درجا ایشان
میگردند و همچوپانه بر همچنانه های
هزاره اند آزادان تا زرها با همچنانه های
وجود دارند که مدبران تا زرها با اعل
و هم بر قدر سمعه میگردند و از آن سمع
بر میگیرند و الى کاهه و پيششها و باشند
آنها بدین مقادير میگذرند.

مشاهده يك (فارس) و يانه (ملود زام)
بر جلد شاهجه (آمده) و يانه (ملود زام)
مرح او مشتود و الى مطالعه اسرى جون
دون زاده آنچه و باشند آنچه و باشند
دارند که بالفت مشاهده آنها فايل همچنانه
ست. تجاه تا زر فريش پيشش در جستجو
دسته اول و پاهاره کاهه و پيشش در دن
دوم هستند و الى آزادان بيز خل
که هم آنچه شاهنامه کاهه و پاهاره
میزند و هم دنکه طمع تا زر فروشند به
جوان می آورد ايسکو له آنارزه شاهکار
نمایشید.

حنی از اين شاهکارها بر مکانه
هاي در رسابهاي همان و در شهرهای بصوصه
شهر و موقعيت عظمه و صجه ای و کاهه های
ياده اند و اندان خندانه شاهکارهای چهاران
و اين اندان خندانه شاهکارهای چهاران
و همه آنهاش بيز خل و غسل بروان

از کلمه ملود رام گوی نخوردید... سا
اینکه ظاهرش پیش یاک مردم موی بکال و لی
دو باطن خلی بدر و ناراحت شدند از اینک
هم مدد مثیل گیرون است

ملود رام موی بوجود آمد که مردم
مله سوم و دوم جای اشراف و نجات داد
تازگی تذکر نهادن شان از شعر گویا به
ترناغی تبدیل شد و بجای پیان احساسات
اطیف و دقیق و مبارزات عصی رویی یک
سلسله حرکات و حشت ایکلر ناگهانی و
ترنیکات ظفری بر صحنه مکمل شد اگر دید
راستی بدهشت بوره های زنده ملود رام
را بشانیده بکوچک زیبا و معموب بالمرد
نایکار و بجهش پیکچون عاشق بیته و
طیاع و دیک توکر مفعک و مضرع اینها
وارد آغا دیده اید : قالی قلپیانه که از
شکندهای ایکس می گواه ایکس می آورند
این عوامل را دریزید و همان نمود که
امروز نهایت جمهه کارگران معاشه
طبیعت معجزه عقول آغازیه و بدینها
و چیزیات و جنبات دریس نداده و یاکی و
صفحه های رذختره است در اینکه فرن
تو زده بیز طبله سوم میالک ازو پایی
تالرهای عظیم (پایه هزار منطقه)
هم جوم می ازدید و در آنجا متعاقب استه
شاهدیگی و هفت آنکه سی مرد نوچه
خود ران و شبات و خمامت آنکه محبوب
و فرشا و هر بدهای هنری شش خوان
شیوه آنکه کیک معرف هم شد

این دستان بود
مازد رانکاین و دختر خود اور کلاهی
هار لور مان در جاده سوون و پدر بزرگ این
آرایه و دیس دزهه ایان در دهراان
و پلکاره میتوان یافت
خلاء کیم کیه مبارزه در دی
یک کمی تبدیل به رکن خد و در و بدن
دلیل خود را بسیه دیکه از ایکه تبدیل
به ایکار و حشت ایکلر ظاهری گردید
آنکه نوچی بکه کمی اتفاق بکار فارس
و بجای یکه از ایکی عالی سیک و ملود رام
در ایم، هنگامه تنشایی مون و خدا بان
یرست بوران تبدیل به لفایلیون خلو از رخ
فرانه شد و تجایی در بار الواسی چهارده
چای خود را به بور ایاهی بولار و کارکان
کارخانهای رسنگی و باقیه کی اطراف
لمن و بارس داده در آن نمان کمی
الطف جای ملود رام بفارس داد و نز ایکی
عالی در معلم بولور ایاهی اتفاق افتاد و سوکل
ها و شکنی ها و مغایر های ایام مدون
گردیده و جایی خود را به دامگیری ها
عندی فارس و دو بیل غرایه (لایش)
ها و چیزکاره کوره ها (خدای ملود رام
فرانه) و داکس اندروماده بدهادونه

تر ایکی زیر مردق است در نهایت قدرت
تو نانایی او ناینده بکشید و کافر و
است بولی از آنها که دخل بدر بود هر
بنای که می بینی (ع) این مرد کامباد در
تبیه بک اشنا خشم بیان (با یکی از
خدا بان را) تعریک شد خبری خانی بر
طیه او و از دیدن میشود و میاره آغاز
و شکست پیش خدم میگردید (این شکست
همه مردان و هم سکنان او بخلاف میانه
و نشانی شده مشود خدمی سر تو شدند
از دو بان ایان هر کیه است عده این تابهای
بود که بونا بان ایچن مسعود میگردید
(۶) تاریخ تاریخ بونا هر ایکه
در تو کلابست و رماتک این نیاع دیگر
بنی بک شری و که خدا نیو بکه بین خوش
و احساسات ایون قلاده و اتفاق او و گذشت
بزد و بزد و بزد و اتفاق بود و چنی
باز و ایچانی میگردید که هر ایکه (تر ایکی)
هان مادر و مادر و ایاع است که در میانه دید
بانی تر کیه سی هنایی تر ایکی و گذشت
هر دو یکی است بیون هر دیگر بالکه ایان
دندنی استوار است

از ایکه ایکه بکه بونا بان ایچن میگردید
و ایکه بکه بونا بان ایچن میگردید
شتم سایخ میگردید که دینی دامکنی داده
و دیگرین ایکه بکه بونا بان ایچن میگردید
ایکه و ایکه بکه بونا بان ایچن میگردید
میگردید و ایکه بکه بونا بان ایچن میگردید
کیانی جوانی است و ایکه بکه بونا بان ایچن
بال ایکه و ایکه ایکه ایکه و ایکه بکه بونا
هیک ایکه است که دریس (دریمه و بیکه)
که در آن میگردید و دریمه و بیکه
زایی بیکه و (بیکاره) ایان نونه
سعن کوونه کیم از دشیز چهاری بکه ایک
کیک در خدمت کیه است که در آن باده
هم بکه شد آن نیاع در وی معرف

ایه بکه بونا بان ایچن میگردید
در ایکی نوع کمی دسته ای از اجتماع
دسته بکرها میگردید فر ایه تیار و
در وی میگردید آن دو دیگر میگردید (بیکه)
زایی بیکه و (بیکاره) ایان نونه
سعن کوونه کیم از دشیز چهاری بکه ایک
کیک در خدمت کیه است که در آن باده
هم بکه شد آن نیاع در وی معرف
ایه بکه بونا بان ایچن میگردید
در ایکی بیکه بیکه بیکه بیکه
زرف و حشت ایکه میگردید ایه و موضع بکه
تر ایکی الله هیته غواکلی است و مالا
بیکه هیته های جسانی در وی وی
بسایرات داشتن میگردید در فرقن و میانی
اظهار متفقین و نویسنده کان متوجه ایه ایه
تر ایکی و موضع هایی ایکه ایکه ایکه
بیکه مان میگردید و بیکه بیکه بیکه
لطف های طوفانی بیکه بیکه بیکه
در میان ایکه هایی میگردید که در ایه
قیبا ایکه بیکه بیکه بیکه بیکه بیکه
زرف و حشت (در تو کلابست) شانی در که کاره میگردید
یکه ایکه بکه بیکه بیکه بیکه بیکه
وجود دارد و لذتی که ایکه هایی
دیگر ایان شناسایی دسته بیکه ایه میگردید
ملکوں بیکه بیکه بیکه بیکه بیکه
بر بری و نوشی است که میتوانه در وی وی
ظریفها و وجود دارد این همان لذتی
است که بیکه بیکه ایه دسته بیکه بیکه
میگردید که بر سر جسد دشمن مغلوب و مغلوب
ملکوں بیکه بیکه بیکه بیکه بیکه
سازد و با یکی او بیکه بیکه بیکه بیکه
دا با گوی معلوم میگشت

در ایان نوچی بکه ایکه ایکه ایکه
ملود رام داده بود

کمی دیگر کمی میگردید این که کشکه
بدست طلاقان چیره دست بشی بردی
صحن می آید متعلق بزمان و مکان میگردید
بیست، تا هنگام که خرامات وجود دارد
زا تاریخ هم و میمکنند و میگردید
در دست مردم است خسیس داده هم جای
توان باخت

گذشت بکه ایکه ایکه بکه بونا بان ایچن
بین دسته ای از اجتماع بر طیه دسته بکر
است بیکه و ایان را دیگران - تیار و کبه
را معرفه میگردید که : کارگران را
باد استهرا میگردید که در ایک
طله ای از اطمیخات ایکه ایکه میگردید
یعنی ایکه ایکه و میگردید
که رفشار و هادیات دیگری دارند پنجه
لصرم میگردید

تجایی فرن هدیه فر ایه تیار و
که را معرفه میگردید - تیار و کبه
فرن هیجه هم تجایی فلکیه شده را باد
استهرا میگردید تقویت شد بیکه در ایان
فر ایه تیار و میگردید

در ایان نوع کمی دسته ای از اجتماع
دسته بکرها میگردید فر ایه تیار و
در وی میگردید آن دو دیگر میگردید (بیکه)
زایی بیکه و (بیکاره) ایان نونه
سعن کوونه کیم از دشیز چهاری بکه ایک
کیک در خدمت کیه است که در آن باده
هم بکه شد آن نیاع در وی معرف
ایه بکه بونا بان ایچن میگردید
در ایکی بیکه بیکه بیکه بیکه
زرف و حشت ایکه میگردید ایه و موضع بکه
تر ایکی الله هیته غواکلی است و مالا
بیکه هیته های جسانی در وی وی
بسایرات داشتن میگردید در فرقن و میانی
اظهار متفقین و نویسنده کان متوجه ایه ایه
تر ایکی و موضع هایی ایکه ایکه ایکه
بیکه مان میگردید و بیکه بیکه بیکه
لطف های طوفانی بیکه بیکه بیکه
در میان ایکه هایی میگردید که در ایه
قیبا ایکه بیکه بیکه بیکه بیکه
زرف و حشت (در تو کلابست) شانی در که کاره میگردید
یکه ایکه بکه بیکه بیکه بیکه بیکه
وجود دارد و لذتی که ایکه هایی
دیگر ایان شناسایی دسته بیکه ایه میگردید
ملکوں بیکه بیکه بیکه بیکه بیکه
سازد و با یکی او بیکه بیکه بیکه بیکه
دا با گوی معلوم میگشت

در ایان نوچی بکه ایکه ایکه ایکه
ملود رام داده بود